

ستایش: به نام آنکه جان را فکرت آموخت

تحمیدیه به معنای حمد و ستایش خداوند است شاعران و نویسندگان دیوان اشعار و سخن خود را با مدح و ستایش خداوند شروع میکنند که به آن تحمیدیه گفته می شود. در اصطلاح مقدمه ای است که در آغاز شعرهای فارسی در نیایش خدا و برشمردن نعمات و صفات او آورده می شود.

تاریخ ادبیات: شیخ محمود شبستری یکی از عارفان و شاعران و نویسندگان قرن هشتم هجریست. محل تولد این عارف نام آور شبستردر نزدیکی شهر تبریز است. مقبره او در زادگاهش شهر شبستر است.

مثنوی گلشن راز مهم ترین و مشهورترین اثر منظوم شبستری است.

نکات ادبی

شعر چیست؟ شعر کلامی موزون و آهنگین است.

بیت چیست؟ کوچکترین واحد شعر بیت است که از دو مصراع هم وزن تشکیل می شود.

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخو

مصراع

مصراع

مصراع: هر بیت شامل دو قسمت است هریک از این بخش ها یک مصراع نام دارد. کمترین مقدار سخن موزون یک مصراع است.

وزن شعر: آهنگی که در تمام مصراعهای یک شعر یکسان است.

قافیه: کلمات هم آهنگ که در پایان هر مصراع تکرار میشود که حروف آخر آن مانند هم است.

ردیف: کلمه یا کلمه هایی که در آخر هر مصراع بعد از قافیه عینا تکرار می شوند و از نظر املائی و معنا کاملا یکسان هستند. به شعری که ردیف داشته باشد «مردّف» می گویند.

همیشه ابتدا قافیه می آید و اگر شعر ردیف داشته باشد ردیف بعد از قافیه تکرار می شود.

اگر شعری ردیف داشته باشد آخرین کلمه ردیف است و اگر ردیف نداشت باشد آخرین کلمه بیت قافیه است.

نکته: به کلماتی که یکسان تلفظ شوند معنی آنها هم یکی باشد ردیف گفته می شود.

سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

چمن و سمن: قافیه نمی کند و نمی کند: ردیف

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد

در مصراع اول باد به معنای باد وزنده هست و در مصراع دوم به معنای فعل دعای است یعنی نابود شود در نتیجه این بیت ردیف ندارد.

نکته: قافیه اجباری و ردیف اختیاری است، ردیف همیشه بعد از قافیه می آید .

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود

جانم و دلستانم: قافیه می رود و می رود: ردیف

قالب شعری: به شکل ظاهری شعر و ترتیب آمدن قافیه در شعر قالب شعر گفته می شود

قالب شعری شعر ستایش: مثنوی

مثنوی: به معنی دو تایی است و هر بیت قافیه جداگانه و مستقل دارد .

معنی شعر ستایش

سخن خود را با نام خداوندی آغاز می کنم که به جان انسان، اندیشیدن و فکر کردن را آموخت و دل انسان را

که مانند چراغی است با نور جان، روشن کرد. آموخت و برافروخت: قافیه

« فکرت: فکر، اندیشه» برافروخت: روشن کرد «

بیت دوم: به دلیل بخشش خداوند هر دو جهان روشن شده است و به از لطف خداوند خاک وجود انسان به

گلستان تبدیل شده است. روشن و گلشن قافیه

بیت سوم: جهان را، پرتوی از نور وجود خداوند بدان که خداوند از شدت پیدایی و آشکار بودن در این جهان

پنهان به نظر می رسد. نور خداوند تمام جهان هستی را فرا گرفته اما خداوند آن قدر آشکار است که از شدت

پیدایی، پنهان به نظر می رسد. دیده نمی شود. دان و پنهان قافیه/ پیدایی، پنهان کلمات متضاد

بیت چهارم: عقل انسان توانایی درک نور وجود خداوند را ندارد ای انسان برای شناخت خداوند چشم

دیگری پیدا کن. با چشم دل به وجود خداوند پی ببر. بیش و خویش قافیه/ خرد: عقل تاب: توان

جزوه درس به درس فارسی ششم سال تحصیلی ۴۰۳-۱۴۰۲ استان البرز خانم مهران

بیت پنجم: همه انسان ها که در مورد خداوند چه کم و چه زیاد گفته اند بر اساس تصورات و درک خود صحبت کرده اند. در مورد خداوند هر چیزی که گفته اند در واقع چیزی است که با چشم خودشان دیده اند و با توجه میزان درک آن ها است. در او: درباره ی او / دیده: چشم آرایه: تضاد (کم، بیش)

بیت ششم: در نظر انسانی که به خداوند بزرگ ایمان دارد همه جهان را همچون کتابی می داند که بواسطه آن می تواند خدا را بشناسد. تجلی: آشکار شدن، پیدا شدن - تعالی: بلندمرتبه

درس اول معرفت کردگار

تاریخ ادبیات: ابوعلی بلعمی از بزرگان و نویسندگان زبان و ادب فارسی در قرن چهارم بود. مورخ و ادیب ایرانی است که وزیر سامانیان بود داشت و به دستور منصور بن نوح «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در موارد بسیاری از منابع دیگری استفاده کرده گونه ای که کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.

معنی متن تاریخ بلعمی

این همه آفریده که در جهان می بینید و تعداد آنها بسیار است خالقى دارند و خلق و آفریننده آنها خداوند است و نعمت هایی که در جهان هست از بخشش خداوند است. ما باید آفریننده جهان را پرستیم و شکر گزار نعمت هایش باشیم. واژگان مهم: خلق: مردم، انسان - خالق: خداوند - آفریدگار - ایشان: آنها

«پرستیدن: عبادت کردن، ستایش کردن - «سپاس داری: سپاس گزاری، شکرگزاری»

معنی: اندیشیدن و فکر کردن درباره آفریننده و آفریده هایش، دل را روشن می کند و بی توجهی به آن و فکر نکردن به آن باعث تاریکی دل و نادانی انسان می شود.

مخلوق: خلق شده، آفریده شده - اندر: در - غفلت: بی خبری / کلمات مخالف: «خالق ≠ مخلوق» «غفلت ≠ خبر داشتن» «اندیشه کردن ≠ فکر نکردن / روشنایی ≠ تاریکی

شعر باد بهاری

تاریخ ادبیات: شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی از بزرگ ترین شاعران و نویسندگان ایران است. بوستان و گلستان و دیوان اشعار از او بر جای مانده است مجموعه این آثار کلیات سعدی نامیده می شود. سعدی یکی از بزرگ ترین شاعران و نویسندگانی ایرانی در قرن هفتم است.

قالب شعر باد بهاری غزل: غزل شعری است حداقل ۵ بیت که مصراع اول و مصراعهای زوج آن هم قافیه هستند. موضوع غزل عاشقانه و عارفانه است و یا با مضمون اجتماعی. سعدی و حافظ از غزلسرایان مشهور زبان فارسی هستند.

بیت ۱: بادخوش بهاری از طرف چمنزار وزید و دوباره آواز سوزناک پرندگان به آسمان رسید.

زار: ناتوان، نالان / گردون: آسمان / مرغزار: چمنزار - سبزه زار / تعداد جملات: ۲ فعل و ۲ جمله - فعل: وزید و رسید. مرغ زار ترکیب وصفی / به گردون رسید: کنایه از بلند شدن صدا به آسمان / مرغزار و زار قافیه هستند.

بیت ۲: ای انسان برخیز و قدر فصل بهار و ناله آهنگین مرغ و بوی خوش لاله زار را بدان.

واژگان: خیز: برخیز، بلند شو - غنیمت شمار: قدر فرصت را دانستن جنبش: حرکت و تکان ربیع: بهار موزون: آهنگین، «لاله زار: جایی که لاله فراوان می روید. تعداد جملات: ۲ فعل و ۲ جمله: خیز و غنیمت شمار نکته های مهم و دستوری: فعل های خیز و شمار امری است / ناله ی موزون و بوی خوش ترکیب وصفی

لاله زار یک واژه ی غیر ساده است که از ترکیب لاله + پسوند زار درست شده است. و پسوند زار در لاله زار نشان دهنده مکان است.

بیت ۳: همه موجودات گل ها و برگ ها و پرندگان در حال ستایش خداوند هستند بلبل قمری چه میخوانند؟ از خداوند یاد می کنند. «تمام موجودات خدا را ستایش می کنند.»

واژگان: قمری: نوعی پرنده کوچکتر از کبوتر - خداوندگار: آفریننده

تعداد جملات: ۴ فعل و ۴ جمله: هست - می کند - خواند - یاد خداوندگار خواند: فعل خواند حذف شده است. آرایه های ادبی: تلمیح به آیه قران که هر چه در آسمان و زمین است خداوند را تسبیح می کنند.

گل و برگ مراعات نظیر - «بلبل و قمری مراعات نظیر»

بیت ۴: از نظر انسان خردمند و دانا هر برگ از درختان مانند کتابی برای شناخت پروردگار است.

هوشیار: باهوش، عاقل معرفت: شناخت، دانش کردگار: آفریننده، خالق

هم خانواده: فکرت: افکار / فضل: فاضل / معارف - معرفت / خالق - خلق - مخلوق

نکته های مهم: برگ درختان - نظر هوشیار - و ورقش (ورق او) - معرفت کردگار: ترکیب اضافی

جزوه درس به درس فارسی ششم سال تحصیلی ۱۴۰۲-۴۰۳ استان البرز خانم مهرانی

درختان سبز ترکیب وصفی/مرغزار، زا، لاله زار، خداوندگار و کردگار با هم هم قافیه هستند .

مخالف: هوشیار: ناآگاه / آزار: محبت/هرگز : همیشه/زار: توانا و قوی/توجه کردن- غفلت/دانایی هوشیار : نادان

نکات دستوری : ترکیب وصفی و اضافی

هر زمانی ۲ کلمه با _ ربط و ی میانجی کنار هم بیایند به آن ترکیب گفته می شود.

مثال : گل زیبا -دفترستاره- کتاب علوم -دانش آموزان زرنگ

اسم:کلمه‌ای است که برای نامیدن شخصی یا چیزی ویا مفهومی به کار می رود :مریم-گل

صفت: کلمه ای است که بعد از اسم می آید.صفت یکی از ویژگیهای اسم مانند رنگ ، شکل ، اندازه و جنس را توضیح می دهد.

گل زیبا : زیبا صفت است زیرا حالت گل را بیان کرده است.

به اسم قبل از صفت، موصوف گفته می شود.موصوف :اسمی است که توسط صفت توضیح داده میشود.

معلم مهربان:معلم موصوف و مهربان:صفت است که به معلم نسبت داده شده است.

نکته های مهم درباره صفت و موصوف

در زبان فارسی موصوف چه مفردوچه جمع باشد،صفت همیشه به صورت مفردمی آید.

گل زیبا : موصوف و صفت گلهای زیبا : موصوف و صفت

به ترکیب صفت و موصوف ترکیب وصفی گفته می شود.

مُضَافٌ و مُضَافٌ الیه :یعنی ترکیب دو اسم با هم که اسم دوم،اسم اول را توضیح می دهد.

دیوار مدرسه :مضاف و مضاف الیه

به ترکیب مضاف و مضاف الیه ترکیب اضافی گفته میشود.

راه های شناخت ترکیب وصفی و اضافی

به کلمه دوم «تر» را اضافه می کنیم.در صورت معنادار بودن ترکیب وصفی است در غیر این صورت ترکیب اضافی است.

درختِ بزرگ درختِ بزرگ + تر: درخت بزرگتر معنا دار است ترکیب وصفی

مدیرِ مدرسه مدیرِ مدرسه + تر: مدیر مدرسه تر بی معنی است ترکیب اضافی

کلمه ی «بسیار» را در وسط دو کلمه قرار می دهیم. معنی دار شد وصفی و اگر بی معنی بود. ترکیب اضافی

شهرِ تمیز شهرِ بسیار تمیز شهر موصوف و تمیز صفت ترکیب وصفی

شهرِ کرج شهرِ بسیار کرج شهر مضاف و کرج مضاف الیه ترکیب اضافی

انسان همیشه مقصود خود را به صورت جمله بیان می کند.

جمله: یک یا چند کلمه است که پیامی را از گوینده به شنونده و از نویسنده به خواننده می رساند

نکته: گاهی یک کلمه به تنهایی یک جمله محسوب میشود. رفتم

نکته ۲: مهم ترین قسمت جمله فعل است. معلم چند کلمه روی تخته نوشت: نوشت فعل

فعل کلمه ایی است که انجام گرفتن کاری یا رخ دادن حالتی را در یکی از زمانهای گذشته، حال و آینده نشان می دهد.

فعل یا مفرد است یا جمع یعنی یا به یک شخص و یا به چند شخص. نسبت داده می شود.

نکته ۳: هر جمله ۱ فعل دارد. نکته / معنای جمله بدون فعل کامل نیست.

نکته ۴: تشخیص تعدا جملات: تعداد فعل ها + فعل های حذف شده + شبه جمله + ندا و منادا

جمله از نظر محتوا به چهار نوع تقسیم می شود.

جمله خبری: خبری را بیان می کند. در پایان جمله خبری نقطه (.) می گذاریم. باد بهاری وزید.

جمله پرسشی: در جمله پرسشی یک پرسش وجود دارد. در پایان آن از علامت سؤال (?) استفاده می کنیم. مله فردا چه روزی است؟

جمله امری: جمله امری، همان طور که از نامش مشخص است در آن دستوری یا فرمانی بیان می شود. و کاری خواسته می شود. مثال " خیز و غنیمت شمار جنبش باد ربیع

جمله عاطفی

جمله عاطفی جمله‌ای است که عواطف و احساسات انسان از قبیل تعجب، شادی، خشم، نفرت دعا و...
«!رابیان می‌کند. در انتهای جملات عاطفی از علامت تعجب (!) استفاده می‌کنیم. «عجب هوای خوبی